

تقدیم می‌کنم به عشق بهر زبانم (پریم و ماوم)

به نام خدایی که در این نزدیکی است
لای این سب بو
پای آن کاج بلند

سیاس آن یگانه پرهمه را که بار دیگر لطفش یارگیر قلمم گشت و توان داد و فرصتی، تا در اقیانوس ژرف شعر و ادب پارسی، صیاد مروارید زیبایی معانی گردم.

خاز دوست کجاست / در خلق بود که پرسید سوار / آسمان کشی کرد / رکله ز شانه نوری که بر لب داشت /
به تاریکی شن به بشید و به انگشت / نشان داد سپیداری و گفت / ز سیده به درخت / کوبه پانمی است که از خواب خدا /
سبز است / او در آن عشق به اندازه پرهایی صداقت آبی است

«سهراب سپهری»

آرایه‌های ادبی - که در حوزه قلمرو ادبی می‌گنجد - یکی از موضوعات کاملاً کاربردی است و رویکرد کنکور به این مبحث بسیار سخت‌گیرانه همراه با طرح تست‌هایی کاملاً خلاقانه و مفهومی است. برای تسلط بر این مبحث، ابتدا باید مفهوم هر آرایه را دانست؛ سپس با پاسخ‌گویی به سوالات و تست‌های متنوع، به یادگیری استحکام بخشید.

قسمت‌های مختلف این کتاب به شرح زیر است:

آشنایی با اصطلاحات ادبی

توضیح کامل اصطلاحاتی چون قافیه، ردیف، موقوف‌المعانی، استفهام انکاری و ...

قالب‌های شعر فارسی

توضیح کامل قالب‌های شعری چون مثنوی، رباعی، چهارپاره و ... همراه با رسم شکل هندسی هر قالب شعری

آرایه‌های ادبی

- ذکر نام آرایه‌های حوزه بیان و بدیع (لفظی و معنوی) در قالب جدول
- توضیح کامل آرایه‌های ادبی باصداها شاهد مثال از کتاب‌های فارسی دهم، یازدهم و دوازدهم و همچنین ابیات معروف خارج از کتاب‌های درسی.
- ارائه فهرستی از واژگان «ایهام برانگیز» در پایان مبحث «ایهام» (با ذکر معانی مختلف)
- شایان ذکر است، در ادامه هر مبحث، بخشی تحت عنوان «چند مرده حلاجی» آمده است که دربردارنده سؤال از مبحث مورد نظر، همراه با پاسخ‌های تشریحی و کوتاه است؛ سپس یک یا چند آزمون ۱۰ تایی جهت سنجش یادگیری آمده است.
- هر شب می‌توانید یک آزمون را به‌عنوان برنامه شب پاسخ دهید.

فهرست کتابت

مفهوم تمام کنایه‌های به‌کاررفته در کتاب‌های درسی دهم، یازدهم و دوازدهم (با ذکر مصراع یا عبارت مورد نظر) در بخش سوم کتاب ذکر شده است.

پانکست آرایه‌های ادبی

شامل تست‌های کنکور (۱۳۹۹ - ۱۳۸۷) که طبق الگوهای زیر طبقه‌بندی شده است:

- آرایه‌های اول: آرایه‌های ادبی یک بیت مورد ارزیابی واقع می‌شود.
- الگوی دوم: دو یا چند آرایه در صورت سؤال ذکر می‌شود.
- الگوی سوم: در صورت سؤال، بیش از دو آرایه ادبی (سه تا پنج) نام برده می‌شود و ترتیب ابیات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.
- الگوی چهارم: هیچ آرایه‌ای در صورت سؤال ذکر نمی‌شود؛ بلکه نام یک یا دو آرایه در مقابل هر بیت نوشته می‌شود.
- الگوی پنجم: یک آرایه در صورت سؤال ذکر می‌شود.

لازم به ذکر است که مخاطب این کتاب تمام دانش‌آموزان کنکوری (کلیه رشته‌ها) هستند؛ به همین سبب درباره تمام آرایه‌های ادبی توضیح کاملی ارائه شده است.

آرایه‌های «لف و نشر، موازنه، ترصیع و انواع سجع» ویژه رشته علوم انسانی است.
دانستن نام انواع استعاره (مصرّحه و مکنّیه) ضرورتی ندارد، ولی این تقسیم‌بندی به فهم استعاره منجر می‌شود.
با استفاده از اشعار ناب و عبارات پر معنا و ذکر جزئیات و ریزه‌کاری‌های هر تست، هیچ زاویه‌ای از آرایه‌های ادبی نادیده گرفته نشده است. هم‌چنین آوردن ۱۰ آزمون جامع (از کل مباحث) و تمامی تست‌های کنکور قابل استفاده سال‌های اخیر، دانش‌آموز را از هر کتاب تست دیگری بی‌نیاز می‌کند.

در پایان از استاد و دوست‌گراں قدردم خانم نسرين باستان‌جو که سال‌هاست در سایه دانش او مأواگزیده‌ام و دانش‌آموزان خوبم در دبیرستان روشنگران سپاسگزارم، هم‌چنین از ویراستاران خوب مجموعه گاج که با دقت همه‌جانبه خود مرا یاری کردند و هم‌چنین از استاد ارجمند، دکتر رضا اسماعیلی (فرستجانی) که از مشورت با ایشان بهره‌آفر برده‌ام، کمال تشکر را دارم.

مانا باشید و مهربان
فرشته صابریان

زهرست مطالب

gajmarket



موازنه ۵۵

آزمون ۱۲ ۵۶

ترصیع ۵۹

آزمون ۱۳ ۶۱

جناس ۶۳

آزمون ۱۴ ۶۶

اشتقاق ۶۸

آزمون ۱۵ ۶۹

مراعات نظیر ۷۱

آزمون ۱۶ ۷۲

تلمیح ۷۴

آزمون ۱۷ ۷۵

تضمین ۷۷

آزمون ۱۸ ۷۸

تضاد (طباق) ۸۰

آزمون ۱۹ ۸۱

متناقض نما (پارادوکس) ۸۳

آزمون ۲۰ ۸۵

حس آمیزی ۸۷

آزمون ۲۱ ۸۸

بخش اول : آشنایی با اصطلاحات ادبی و قالب های شعری

آشنایی با اصطلاحات ادبی ۸

قالب های شعر فارسی ۱۱

آزمون ۱ ۱۸

آزمون ۲ ۱۹

بخش دوم : آرایه های ادبی

تشبیه ۲۳

آزمون ۳ ۲۷

استعاره ۲۹

آزمون ۴ ۳۲

آزمون ۵ ۳۳

مجاز ۳۵

آزمون ۶ ۳۷

کنایه ۳۹

آزمون ۷ ۴۲

آزمون ۸ ۴۴

واج آرایه ۴۶

آزمون ۹ ۴۷

تکرار (واژه آرایه) ۴۹

آزمون ۱۰ ۵۰

سجع ۵۲

آزمون ۱۱ ۵۳

۱۲۷ **آزمون جامع ۳۲**

۱۲۸ **آزمون جامع ۳۳**

۱۳۰ **آزمون جامع ۳۴**

۱۳۲ **آزمون جامع ۳۵**

۱۳۴ **آزمون جامع ۳۶**

۱۳۶ **آزمون جامع ۳۷**

۱۳۸ **آزمون جامع ۳۸**

۱۴۰ **آزمون جامع ۳۹**

۱۴۲ **آزمون جامع ۴۰**

بخش سوم: لیست کنایات کتاب‌های درسی

۱۴۵ لیست کنایات فارسی دهم

۱۵۷ لیست کنایات فارسی یازدهم

۱۷۰ لیست کنایات فارسی دوازدهم

بخش چهارم: تست‌های کنگورهای سراسری

۱۹۰ **الگوی اول:** آرایه‌های ادبی یک بیت

۲۰۰ **الگوی دوم:** دویاچند آرایه در صورت سؤال

۲۰۸ **الگوی سوم:** در صورت سؤال بیش از دو

۲۲۷ **الگوی چهارم:** هیچ آرایه‌ای در صورت سؤال

۲۳۸ **الگوی پنجم:** یک آرایه در صورت سؤال

۲۴۶ **پاسخنامه تشریحی**

۹۰ ایهام

۹۱ **آزمون ۲۲**

۹۳ واژگان ایهام‌برانگیز

۹۷ ایهام تناسب

۹۹ **آزمون ۲۳**

۱۰۱ لَف و نشر

۱۰۳ **آزمون ۲۴**

۱۰۵ اغراق

۱۰۶ **آزمون ۲۵**

۱۰۸ حسن تعلیل

۱۱۰ **آزمون ۲۶**

۱۱۲ اسلوب معادله

۱۱۴ **آزمون ۲۷**

۱۱۶ نماد

۱۱۷ **آزمون ۲۸**

۱۱۹ قلب (عکس)

۱۱۹ **آزمون ۲۹**

۱۲۲ ضرب‌المثل (تمثیل)

۱۲۳ **آزمون ۳۰**

۱۲۵ **آزمون جامع ۳۱**



آرایه‌های ادبی

گسترده (غیر بلیغ)		تشبیه	بیان	آرایه‌های ادبی
اضافی اسنادی	فشرده (بلیغ)			
مصرّحه		استعاره		
جان بخشی غیر جان بخشی	مکنّیه			
مجاز				
کنایه				
واج آرایی - تکرار		لفظی		
مطرّف متوازن متوازی	سجع			
موازنه				
ترصیع				
تام	جناس			
اختلافی				
افزایشی حرکتی قلب				
ناقص				
اشتقاق				
قلب (عکس)				
مراعات نظیر - تلمیح - تضمین - تضاد - تناقض - حس آمیزی - ایهام - ایهام تناسب - لفّ و نشر - اغراق - حَسَن تعلیل - اسلوب معادله - نماد - ضرب المثل		معنوی		

تَشْبِيه

تَشْبِيه، اَدْعَايِ هِمَانَنْدِي مِيَانِ دُو يَا چَنْد چِيْزِ اسْت.

پايه‌هاک تشبيه

- ۱ **مَشْبَه (طرف اول):** پدیده‌ای که آن را به پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم.
 - ۲ **مَشْبَهْه (طرف دوم):** پدیده‌ای که مَشْبَه را به آن مانند می‌کنیم.
 - ۳ **وجه‌شبه:** ویژگی یا صفت مشترک میان مَشْبَه و مَشْبَهْه است که در مَشْبَهْه پرننگ‌تر و آشکارتر است. (دلیل تشبيه)
 - ۴ **ادات تشبيه:** واژه‌ای (حرف، فعل و ...) است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به کار می‌بریم. (چو، مثل، مانند، به‌سان، گویی، به کردار و ...)
- تَوْجِه:** «چو» و «چون» اگر به معنی مثل و مانند باشند، ادات تشبيه‌اند. اگر معنای «وقتی که» و «زیرا» بدهند، ادات تشبيه نیستند و حرف ربط‌اند.

وجود طرفین تشبيه (مَشْبَه و مَشْبَهْه) در هر تشبيه الزامی است؛ حال آن که ادات تشبيه و وجه‌شبه گاهی حذف می‌شوند.

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
 که به دهان، برزده‌کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف

تشبيه ← مَشْبَه: چشمه / مَشْبَهْه: صدف / ادات تشبيه: چون / وجه‌شبه: کف‌آلود بودن
 تشبيه ← مَشْبَه: چشمه / مَشْبَهْه: تیر / ادات تشبيه: چو / وجه‌شبه: به سوی هدف رفتن و سرعت

گفت در این معرکه، یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا منم
 تشبيه ← مَشْبَه: من (چشمه) / مَشْبَهْه: تاج

از سال چهارم تا ششم ابتدایی با خسرو هم کلاس بودم ... مثل شاخ شمشاد می‌آمد و سر جای خودش می‌نشست.

تشبيه ← مَشْبَه: خسرو / مَشْبَهْه: شاخ شمشاد / ادات تشبيه: مثل
 عاشق آن باشد که چون آتش بود / گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود
 تشبيه ← مَشْبَه: عاشق / مَشْبَهْه: آتش / ادات تشبيه: چون / وجه‌شبه: گرم‌رو، سوزنده، سرکش

اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب / گر ذوق نیست تو را، کژطبع جانوری
 تشبيه ← مَشْبَه: تو / مَشْبَهْه: جانور کژطبع / وجه‌شبه: ذوق نداشتن

گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم / ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد
 تشبيه ← (مصراع اول) مَشْبَه: تو (محدوف) / مَشْبَهْه: نخل / ادات تشبيه: چو / وجه‌شبه: کریم

تشبيه ← (مصراع دوم) مَشْبَه: تو (محدوف) / مَشْبَهْه: سرو / ادات تشبيه: چو / وجه‌شبه: آزاد

خوشبخت آن که مادر دانا به روز و شب / چونان فرشته بر سر او سایه گسترد
 تشبيه ← مَشْبَه: مادر / مَشْبَهْه: فرشته / ادات تشبيه: چونان / وجه‌شبه: بر سر او سایه گسترد

**انواع تشبیه از نظر پایه‌ها (رکن)**

انواع تشبیه (ویژهٔ انسانی)

انواع تشبیه] گسترده
] فشرده
 اضافی (اضافهٔ تشبیهی)
 غیراضافی (اسنادی)

تشبیه گسترده:

از میان رکن‌های تشبیه، ذکر مشبّه و مشبّه‌به ضروری است؛ اما وجه شبه و ادات تشبیه را می‌توان حذف کرد. به تشبیهی که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، «تشبیه گسترده» می‌گویند.

تشبیه فشرده:

تشبیهی که فقط دو رکن اصلی یعنی مشبّه و مشبّه‌به را داشته باشد، تشبیه فشرده است. حذف وجه شبه و ادات تشبیه، تشبیه را خلاصه می‌کند. به این نوع تشبیه، «تشبیه بلیغ» نیز می‌گویند. این تشبیه کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند.

از این سَدّ روان در دیدهٔ شاه / ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت
مشبّه مشبّه‌به

تشبیه فشرده گاه به صورت اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) و گاه به صورت غیر اضافی به کار می‌رود. (تشبیه‌های غیر اضافی معمولاً به صورت جملهٔ اسنادی هستند.)

چون بتابد آفتاب معرفت / از سپهر این ره عالی‌صفت
 اضافهٔ تشبیهی ← آفتاب معرفت (مشبّه: معرفت / مشبّه‌به: آفتاب)

تو، آن بلندترین هرمی / که فرعون تخیل می‌تواند ساخت / و من، کوچک‌ترین مور

تشبیه ← مشبّه: تو / مشبّه‌به: بلندترین هرم

اضافهٔ تشبیهی ← فرعون تخیل (مشبّه: تخیل / مشبّه‌به: فرعون)

تشبیه ← مشبّه: من / مشبّه‌به: کوچک‌ترین مور

تا خار غم عشقت آویخته در دامن / کوته‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها
 اضافهٔ تشبیهی ← خار غم عشق (مشبّه: غم عشق / مشبّه‌به: خار)

این بوم محنت از پی آن تا کند خراب / بر دولت آشیان شما نیز بگذرد
 اضافهٔ تشبیهی ← بوم محنت (مشبّه: محنت / مشبّه‌به: بوم)

بر تیر جورتان ز تحمّل سپر کنیم / تا سختی کمان شما نیز بگذرد
 اضافهٔ تشبیهی ← تیر جور (مشبّه: جور / مشبّه‌به: تیر)

تشبیه فشردهٔ غیراضافی (بلیغ) ← ز تحمّل سپر کنیم (مشبّه: تحمّل / مشبّه‌به: سپر)

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
 اضافهٔ تشبیهی ← مس وجود (مشبّه: وجود / مشبّه‌به: مس)

اضافهٔ تشبیهی ← کیمیای عشق (مشبّه: عشق / مشبّه‌به: کیمیا)

تو سرو جویباری، تو لاله بهاری **تو یار غمگساری، تو حور دلربایی**

تشبیه فشرده غیراضافی ← تو سرو جویباری (= هستی) (مشبه: تو / مشبه‌به: سرو جویبار)
 تشبیه فشرده غیراضافی ← تو لاله بهاری (= هستی) (مشبه: تو / مشبه‌به: لاله بهار)
 تشبیه فشرده غیراضافی ← تو حور دلربایی (= هستی) (مشبه: تو / مشبه‌به: حور دلربا)
 «ی» به معنی «هستی» فعل اسنادی است.

مراقب باشید «تو یار غمگساری» را تشبیه نگیرید چون تشبیه نیست. (انسان می تواند یار غمگسار باشد).

گرچه ز شراب عشق مستم **عاشق تر از این کنم که هستم**

اضافه تشبیهی ← شراب عشق (مشبه: عشق / مشبه‌به: شراب)
 بهتر است بدانید گاهی در لابه‌لای کلام، تشبیه پنهان (مضمّر یا پوشیده) به کار می‌رود؛ یعنی در ظاهر کلام تشبیهی مشاهده نمی‌شود اما با دقت و تأمل در معنی، می‌توان به تشبیه پی برد؛ مثلاً:

زلف عنبرشکن از روی تو سر می‌پیچد **چه کند ز آتش اگر زانک بپرهیزد مشک**

با دقت و تأمل در بیت فوق درمی‌یابیم که در حقیقت شاعر «زلف محبوب» را به «مشک» و «روی» را به «آتش» تشبیه کرده است.

نوعی دیگر از تشبیه، تشبیه درون‌واژه‌ای است؛ یعنی اجزای برخی از واژه‌های غیرساده با هم یک تشبیه را می‌سازند؛ مثلاً:

- دریادل ← آن که دلی بزرگ چون دریا دارد.
- شیرزن ← زنی که در شجاعت چون شیر است.
- سنگدل ← آن که دلی چون سنگ، سخت دارد.
- مه‌رو ← آن که رویی چون ماه، زیبا دارد.

چند مرده حاجی

تعداد تشبیه و ارکان آن را در ابیات زیر بررسی کنید.

- ۱) تو هم چون گل ز خندیدن لب با هم نمی‌آید
 - ۲) این نان و آب چرخ چو سیل است بی‌وفا
 - ۳) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
 - ۴) دوش گفتم بکند لعل لبش چاره من
 - ۵) فراز و نشیب بیابان عشق دام بلاست
 - ۶) صلاهی یوسف گل شد جهان‌گیر
 - ۷) لب‌ت تا در لطافت لاله سیراب را ماند
 - ۸) تنت را دید گل، گویی که در باغ
 - ۹) دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد
 - ۱۰) چون پیاله دلم از توبه که کردم بشکست
- روا داری که من بلبل چو بوتیمار بنشینم؟
 من ماهی‌ام، نهنگم عمامم آرزوست
 یادم از کشته خویشت آمد و هنگام درو
 هاتف غیب ندا داد که آری بکنند
 کجاست شیردلی کز بلا نپرهیزد؟
 زلیخای جوان شد عالم پیر
 دلم در بی‌قراری چشمه سیماب را ماند
 چو مستان جامه را بدرید بر تن
 که چو سرو پای بند است و چو لاله داغ دارد
 همچو لاله جگر بی می و میخانه بسوخت



پاسخ ✓

۱) سه تشبیه ← تو هم چون گل ز خندیدن لب با هم نمی‌آید (مثل گل شکفته، تو هم با خندیدن مشبهه
مشبهه ارادت تشبیه مشبهه به وهه‌شبهه
شکفته هستی)

من بلبل (تشبیه فشرده اسنادی) / من ... چو بوتیمار بنشینم؟ (در ادب فارسی بوتیمار مظهر غم خوردن مشبهه مشبهه به
مشبهه ارادت تشبیه مشبهه به وهه‌شبهه
و کز کردن تنهایی است.)

۲) سه تشبیه ← این نان و آب چرخ چو سیل است بی‌وفا
مشبهه ارادت تشبیه مشبهه به وهه‌شبهه
من ماهی‌ام (تشبیه فشرده اسنادی) نهنگم (تشبیه فشرده اسنادی)
مشبهه مشبهه به مشبهه مشبهه به

۳) دو تشبیه ← مزرع سبز فلک (اضافه تشبیهی) / داس مه نو (اضافه تشبیهی)
مشبهه مشبهه به مشبهه مشبهه به مشبهه مشبهه به
۴) یک تشبیه ← لعل لب (اضافه تشبیهی)
مشبهه مشبهه به مشبهه

۵) چهار تشبیه ← فراز و نشیب بیابان عشق دام بلاست (تشبیه فشرده اسنادی)
مشبهه مشبهه به مشبهه مشبهه به
بیابان عشق / دام بلا (اضافه تشبیهی) / شیردل (تشبیه درون‌واژه‌ای)
مشبهه مشبهه به مشبهه مشبهه به مشبهه مشبهه به

۶) دو تشبیه ← یوسف گل (اضافه تشبیهی)
مشبهه مشبهه به مشبهه
زلیخای جوان شد عالم پیر (تشبیه فشرده اسنادی) (منظور: زمستان رفت و بهار آمد).
مشبهه مشبهه به مشبهه مشبهه به

۷) دو تشبیه ← لبت تا در لطافت لاله سیراب را ماند
مشبهه وهه‌شبهه مشبهه به ارادت تشبیه
دل در بی‌قراری چشمه سیماب (جیوه) را ماند
مشبهه وهه‌شبهه مشبهه به ارادت تشبیه

۸) یک تشبیه ← تنت را دید گل ... چو مستان جامه را بدرید بر تن
مشبهه ارادت تشبیه مشبهه به وهه‌شبهه

۹) دو تشبیه ← دل ما ... چو سرو پای‌بند است / ... چو لاله داغ دارد. مشبهه: دل (مذروف)
مشبهه ارادت تشبیه مشبهه به وهه‌شبهه ارادت تشبیه مشبهه به وهه‌شبهه

۱۰) دو تشبیه ← چون پیاله دل ... بشکست / همچو لاله جگرم ... بسوخت
ارادت تشبیه مشبهه به مشبهه وهه‌شبهه ارادت تشبیه مشبهه به مشبهه وهه‌شبهه

آزمون (۳)

❖ **سؤال ۲۱** تعداد تشبیه در مقابل کدام بیت نادرست ذکر شده است؟

- (۱) بیا که بلبل مطبوع خاطر حافظ
 به بوی گلبن وصل تو می‌سراید باز (دو)
- (۲) آن را که بوی عنبر زلف تو آرزوست
 چون عود گو به آتش سودا بسوز و ساز (سه)
- (۳) چنگ بنواز و بساز، از نبود عود چه باک؟
 آتشم عشق و دلم عود و تنم مجمر گیر (سه)
- (۴) دل ما را که ز مار سر زلف تو بخست
 از لب خود به شفاخانه تریاک انداز (دو)

❖ **سؤال ۲۲** در کدام یک از ابیات زیر، ردیف «وجه‌شبه» است؟

- (۱) شیوه و ناز تو شیرین، خط و خال تو ملیح
 چشم و ابروی تو زیبا، قَد و بالای تو خوش
- (۲) هم‌چو گلبرگ طری هست وجود تو لطیف
 هم‌چو سرو چمن خلد سراپای تو خوش
- (۳) شکر چشم تو چه گویم که بدان بیماری
 می‌کند درد مرا از رخ زیبای تو خوش
- (۴) در بیابان طلب گرچه ز هر سو خطری است
 می‌رود حافظ بیدل به تمتای تو خوش

❖ **سؤال ۲۳** تعداد تشبیه در کدام بیت بیش تر است؟

- (۱) چه فتنه بود که مشاطه قضا انگیخت
 که کرد نرگس مستش سیه به سرمه ناز
- (۲) چو ماه روی تو در شام زلف می‌دیدم
 شبم به روی تو روشن چو روز می‌گردید
- (۳) یار آن زاهد خودبین که به جز عیب ندید
 دود آهیش در آینه ادراک انداز
- (۴) چو بید بر سر ایمان خویش می‌لرزم
 که دل به دست کمان ابرویی است کافر کیش

❖ **سؤال ۲۴** در کدام بیت هر چهار رکن تشبیه ذکر شده است؟

- (۱) گوش کن پند، ای پسر، وز بهر دنیا غم مخور
 گفتمت چون دُر حدیثی، گر توانی داشت هوش
- (۲) بوی شیر از لب هم‌چون شکرش می‌آید
 گرچه خون می‌چکد از شیوه چشم سیهش
- (۳) حافظ غم دل با که بگویم که در این دور
 جز جام نشاید که بود محرم رازم
- (۴) برآمد قیرگون ابری ز روی نیلگون دریا
 چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا

❖ **سؤال ۲۵** نوع تشبیه بلیغ، در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) کنون چه چاره که در بحر غم به گردایی
 فساد زورق صبرم ز بادبان فراق
- (۲) من شکسته بدحال زندگی یابم
 در آن زمان که به تیغ غمت شوم مقتول
- (۳) مرغ روحم که همی زد ز سر سدره صفیر
 عاقبت دانم خال تو فکنش در دام
- (۴) دلا رفیق سفر بخت نیکخواهت بس
 نسیم روضه شیراز پیک راهت بس



تست ۲۶

در کدام یک از ابیات زیر، قافیه «مشبّه» است؟

- ۱) ای خستَم از فروغ رُخت لاله‌زار عمر
 ۲) از دیده گر سرشک چو باران چکد رواست
 ۳) تا کی می صبح و شکر خواب بامداد؟
 ۴) در هر طرف ز خیل حوادث کمین گهی است
- بلازا که ریخت بی‌گل رویت بهار عمر
 کاندر غمت چو برق شد روزگار عمر
 هشیار گرد هان که گذشت اختیار عمر
 ز آن‌رو عنان گسسته دواند سوار عمر

تست ۲۷

نوع تشبیه در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) عشق بازی کار بازی نیست، ای دل، سر باز
 ۲) حافظ از مشرب قسمت گله نانصافی است
 ۳) باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش
 ۴) کمان ابروی جانان نمی‌پیچد سر از حافظ
- ز آن که گوی عشق نتوان زد به چوگان هوس
 طبع چون آب و غزل‌های روان ما را بس
 بر جفای خار هجران صبر بلب‌لب بایدش
 ولیکن خنده می‌آید بدین بازوی بی‌زورش

تست ۲۸

در بیت زیر، کدام واژه «مشبّه‌به» نیست؟

رشته صبرم به مقرض غمت بریده شد
 هم‌چنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع

- ۱) رشته ۲) مقرض ۳) مهر ۴) شمع

تست ۲۹

کدام مجموعه از ترکیب‌ها، «اضافه تشبیهی» است؟

- ۱) مزید نعمت - شرط انصاف - مرغ سحر - کلاه شکوفه
 ۲) جیب مراقبت - امید اجابت - دیوار اَمّت - قصه عشق
 ۳) پرده ناموس - کلاه شکوفه - سرور کائنات - درگاه خدا
 ۴) دریای معرفت - شب جهل - شکوفه اشک - آتش عشق

تست ۳۰

در کدام ابیات از «اضافه تشبیهی» استفاده شده است؟

- الف) درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
 ب) هست طومار دل من به درازای ابد
 پ) مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
 ت) دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم
 ث) دلا جام و ساقی گل رخ طلب کن
- نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد
 بر نوشته ز سرش تا سوی پایان تو مرو
 ز بامی که برخاست مشکل نشیند
 نقشی به یاد روی تو بر آب می‌زدم
 که چون گل زمانه ندارد بقایی

- ۱) الف، ب، ت ۲) الف، ب، پ ۳) ب، ت، ث ۴) ب، پ، ت

استعاره

استعاره یعنی عاریت و وام گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره، کاربرد واژه‌های به جای واژه‌های دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبّه یا مشبّه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پدید آمده است؛ مثلاً:

با کاروان حله بر قلم ز سیستان با حله تینده ز دل بافته ز جان

در مصراع اول، حله در معنای حقیقی (جامه حریر) به کار رفته و در مصراع دوم، استعاره از شعر است.

صدفوار گوهرشناسان راز دهان جز به لؤلؤ نکرند باز

«گوهر» استعاره از: سخن ارزشمند / «لؤلؤ» استعاره از: سخن ارزشمند

چون به دریا می‌توانی راه یافت سوی یک شبنم چرا باید شتافت

«دریا» استعاره از: ذات اقدس الهی (عشق الهی) / «شبنم» استعاره از: عشق مجازی یا هر چیز غیر از خدا

صد هزاران سایه جاوید، تو گم شده بینی ز یک خورشید، تو

«خورشید» استعاره از: ذات اقدس الهی / «سایه جاوید» استعاره از: مخلوقات که سایه حق تعالی هستند.

انواع استعاره

مصرحه: تشبیهی که فقط مشبّه‌به آن باقی مانده است.

استعاره

تشخیص (جان بخشی): نسبت دادن ویژگی انسانی به هر چیزی جز انسان

غیرتشخیص: مشبّه‌ای که به همراه یکی از اجزا یا ویژگی‌های مشبّه می‌آید (نسبت دادن ویژگی غیر انسانی).

مکنیه

با مروری به تشبیه، توجه داشته باشید:

تشبیه گسترده ← مشبّه + مشبّه‌به + وجه شبه + ادات تشبیه (سه یا چهار رکن تشبیه وجود دارد).

تشبیه فشرده ← مشبّه + مشبّه‌به

استعاره ← مشبّه یا مشبّه‌به

توجه: دانستن نام انواع استعاره برای دانش‌آموزان غیرانسانی ضرورتی ندارد، ولی این دانش و تقسیم‌بندی به فهم استعاره منجر می‌شود.

تفاوت استعاره مصرحه با تشبیه

تا گل روی تو در باغ لطافت بشکفت **پرده صبر من از دامن گل چاک تر است**

مشبّه به مشبّه (تشبیه بلیغ اضافی)

ای گل خوش نسیم من بلبل خویش را مسوز **کز سر صدق می‌کند شب همه شب دعای تو**

استعاره مصرحه از پهره معشوق

در بیت اول هم مشبّه و هم مشبّه‌به ذکر شده است، ولی در بیت دوم، مشبّه وجود ندارد.

در چراغ دو چشم او زد تیغ نامدش کشتن چراغ دریغ

در مصراع اول، دو چشم به چراغ تشبیه شده است؛ چراغ دو چشم ← اضافه تشبیهی. ولی در مصراع دوم،

لفظ چشم ذکر نشده فقط چراغ (مشبّه‌به) گفته شده است، چراغ در مصراع دوم استعاره مصرحه از چشم است.



توجه: معمولاً استعاره مصرحه را «استعاره» می‌گویند.

❖ استعاره مکنیه از نوع تشخیص را «جان‌بخشی» یا «تشخیص» می‌گویند.

❖ استعاره مکنیه غیرتشخیص را «استعاره مکنیه» می‌گویند.

به عبارت دیگر، هرگاه یک ویژگی را به شیء، گیاه، حیوان و ... نسبت بدهیم که متعلق به آن نباشد؛ استعاره مکنیه به وجود می‌آید. حال اگر ویژگی نسبت داده شده، ویژگی انسانی باشد، جان‌بخشی و اگر ویژگی نسبت داده شده، غیر انسانی باشد، استعاره مکنیه شکل گرفته است.
به مثال‌های زیر توجه کنید:

گرچه من خود ز عدم دلخوش و خندان زادم عشق آموخت مرا شکل دگر خندیدن
آموختن، ویژگی انسانی است؛ پس جان‌بخشی پدید آمده است.

هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نجید در رهگذار باد نهبان لاله بود
(شاعر، مهر را گیاهی دانسته که کاشته می‌شود).

شاعر، ویژگی کاشتن را به مهر نسبت داده است. این ویژگی متعلق به مهر است؟ خیر/ انسانی است؟ خیر/ پس استعاره مکنیه رخ داده است.

قضا چون ز گردون فروهشت پر همه زیرکان کور گردند و کر
شاعر، قضا را پرندهای تصور کرده که بال می‌گشاید، پر باز کردن ویژگی قضا (سرنوشت) است؟ خیر، پس استعاره مکنیه به وجود آمده است.
(همه این‌ها روی هم استعاره محسوب می‌گردند).

چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من

«مو» استعاره از: آب / «شکن» استعاره از: موج

جان‌بخشی ← رخ خود (ماه)، (ماه رخ خود را ببیند).

ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد

«سرمایه» استعاره از: باران / «پیرایه» استعاره از: گل‌ها و گیاهان

جان‌بخشی ← ابر حامل سرمایه شد. / باغ صاحب پیرایه شد.

بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

«باد» استعاره از: مرگ / «شمع» استعاره از: زندگی / «چراغدان» استعاره از: زندگی / وجود

ای تورمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد

«رمه» استعاره از: مردم / «چوپان» استعاره از: حاکم گرگ‌صفت / «شبان» استعاره از: حاکم

از این مرز فرخنده مردخیز کنام پلنگان دشمن‌ستیز

«پلنگان» استعاره از: پهلوانان

حالی آن لعل آبدار گشاد پیش آن ریگ آبدار نهاد

«ریگ» استعاره از: شر (این بیت از داستان خیر و شر نظامی است).

شرکه آن دید دشنه بازگشاد پیش آن خاک تشنه رفت چو باد

«خاک تشنه» استعاره از: خیر (این بیت از داستان خیر و شر نظامی است).

چون رایست عشق آن جهان گیر / شد چون مه لیلی آسمان گیر
 «مه» استعاره از: چهره زیبای لیلی
 بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
 «قند» استعاره از: سخن زیبا و دلنشین

هرگاه واژه‌ای جز انسان مورد خطاب واقع شود (منادا شود)، اگر استعاره مصرّحه از خدا یا انسان نباشد، جان‌بخشی (تشخیص) است.
 به مثال‌های زیر توجه کنید.

باز امشب ای ستاره تابان نیامدی / باز ای سپیده شب هجران نیامدی
 الا ای طوطی گویای اسرار / مبادا خالیات شکر ز منقار
 سرت سبز و دلت خوش باد جاوید / که خوش نقشی نمودی از خط یار

در بیت اول، هم منظور از «ستاره تابان» و هم منظور از «سپیده شب هجران» یار است، پس این دو، استعاره مصرّحه از یار هستند.
 در دو بیت بعدی «طوطی» مورد خطاب واقع شده است و با توجه به مصراع دوم، درمی‌یابیم منظور، یار یا هر چیز دیگر نیست و فقط خود طوطی موردنظر است، پس استعاره مکنّیه به وجود آمده است.

چند مورد حاجی

انواع استعاره را در ابیات و عبارات زیر بیابید و در مورد هر یک توضیح دهید.

- ۱) الهی بر تن و جان‌های ما جز الطاف و مرحمت خود منکار.
 - ۲) به صحرا شدم عشق باریده بود.
 - ۳) زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت
 - ۴) بخت آن نکند با من، کان شاخ صنوبر را
 - ۵) ای عشق همه بهانه از توست
 - ۶) آسمان تعطیل است / بادها بی‌کارند / ابرها خشک و خسیس / هق هق گریه خود را خوردند
 - ۷) گاه تنهایی / صورتش را به پس پنجره می‌چسبانید / شوق می‌آمد / دست در گردن حس می‌انداخت / فکر بازی می‌کرد
 - ۸) می‌کند بیخم از جا اشکی که می‌نشاندم
 - ۹) در نایسته احسان گشاده است
 - ۱۰) گل بخندید و باغ شد پدرام
- ناچار کاروان شما نیز بگذرد
 بنشینم و بنشانم، گل بر سرش افشانم
 من خامش‌م این ترانه از توست
 می‌زد به جانم آتش آهی که می‌کشیدم
 به هرکس آن چه می‌بایست داده است
 ای خوشای این جهان بدین هنگام

پاسخ

- ۱) استعاره مکنّیه ← نویسنده، تن و جان را صفحه‌ای دانسته که قابل نگاشتن است.
- ۲) استعاره مکنّیه ← نسبت دادن باریدن به عشق
- ۳) استعاره مصرّحه ← «کاروان‌سرا» استعاره از: دنیا / «کاروان» استعاره از: زندگی انسان‌ها
- ۴) استعاره مصرّحه ← «شاخ صنوبر» استعاره از: محبوب



- ۵) استعاره مکنیه از نوع جان‌بخشی ← عشق (مورد خطاب واقع شده است).
 ۶) استعاره مکنیه ← آسمان تعطیل است (نسبت دادن تعطیلی به آسمان)
 استعاره مکنیه از نوع جان‌بخشی ← بادها بی‌کارند / ابرها ... خسیس / هق هق گریه خود (ابر) را خوردند.
 ۷) استعاره مکنیه از نوع جان‌بخشی ← صورت تنهایی / صورت به پنجره چسباندن / آمدن شوق / دست در گردن انداختن شوق / گردن حس / بازی کردن فکر
 ۸) استعاره مکنیه ← شاعر، خود را گیاهی دانسته که در اثر ریختن اشک، بیخ (ریشه)اش از جا کنده می‌شود.
 ۹) استعاره مکنیه ← در نایسته احسان (نسبت دادن در به احسان) شاعر، احسان را بنایی دانسته که در دارد.
 ۱۰) استعاره مکنیه از نوع جان‌بخشی ← خندیدن گل / پدram (شاداب) شدن باغ

آزمون (۱۴)

تست ۳۱ با توجه به بیت زیر، کدام یک از گزینه‌ها «استعاره» است؟

غمی که چون سپه زنگ مُلک دل بگرفت
 ۱) سپه زنگ ۲) مُلک دل ۳) خیل شادی ۴) روم رخت ز خیل شادی روم رخت زدايد باز

تست ۳۲ در کدام مصراع «استعاره مصرّحه» به کار نرفته است؟

۱) عاقبت منزل ما وادی خاموشان است
 ۲) ملک این مزرعه دانی که ثباتی ندهد
 ۳) فروغ چشم و نور دل از آن ماه ختن دارم
 ۴) به گرد سرو خرامان قامتت نرسیدم

تست ۳۳ در بیت زیر جمعاً چند «استعاره مصرّحه» وجود دارد؟

۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج
 وز تگرگ نازپرو ر مالش عتاب داد
 زاله از نرگس چکید و برگ گل را آب داد

تست ۳۴ در کدام بیت «ماه» استعاره مصرّحه از «محبوب» است؟

۱) ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما
 ۲) آه و فریاد که از چشم حسود مه چرخ
 ۳) ماه شعبان منه از دست قذح کاین خورشید
 ۴) ز اخترم نظری سعد در ره است که دوش
 آبروی خوبی از چاه زنخندان شما
 در لحد ماه کمان آبروی من منزل کرد
 از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد
 میان ماه و رخ یار من مقابله بود

تست ۳۵ در کدام بیت، منادا، استعاره‌ای متفاوت خلق کرده است؟

۱) بنال بلبل، اگر با منت سر یاری است
 ۲) بتا چون غمزات ناوک فشانند
 ۳) بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود
 ۴) صبا از عشق من رمزی بگو با آن شه خوبان
 که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است
 دل مجروح من پیشش سپر باد
 زین سیل دمامد که در این منزل خواب است
 که صد جمشید و کیخسرو غلام کم‌ترین دارد

تست ۳۶ در کدام شعر «جان‌بخشی» وجود ندارد؟

۱) من دلم می‌خواهد / دستمالی خیس / روی پیشانی تبار بیابان بکشم
 ۲) که خورشید / در هر غروب / به زخم ستاره‌گون شقیقه‌ات / اقتدا می‌کند
 ۳) انجیر کهن سرزندگی‌اش را می‌گسترده / زمین باران را صدا می‌زند / گردش ماهی آب را می‌شبارد
 ۴) از ماه بگویم؟ پیش ترها گفته‌اند، / از گل؟ / آه ... / یا من دیر شاعر شده‌ام / یا تو بیش از حد زیبایی

✓ تست ۳۷ در همهٔ ابیات به جز «استعاره» و «تشبیه» به کار رفته است.

- | | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| هر دم آید غمی از نو به مبارک بادم | تا شدم حلقه به گوش در میخانهٔ عشق |
| آن‌گه عیان شود که بود موسم درو | تخم وفا و مهر در این کهنه کشتزار |
| نشاید چو بلبل تماشای باغ | مرا برف باریده بر پر زاغ |
| بهار توبه‌شکن می‌رسد چه چاره کنم | به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم |

✓ تست ۳۸ در کدام ابیات، دو نوع استعارهٔ متفاوت به کار رفته است؟

- | | |
|-------------------------------------|---|
| منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست؟ | الف) ای نسیم سحر آرامگه بار کجاست؟ |
| که عشق روی گل با ما چه‌ها کرد؟ | ب) سحر بلبل حکایت با صبا کرد |
| تو آزادی و خلقی در غم رویت گرفتاران | پ) الا ای باد شبگیری بگو آن ماه مجلس را |
| تن زن زمانکی و بیاسای و کم‌گری | ت) ای ابر بهمنی نه به چشم من اندری |
- ۱) ب، پ ۲) ب، ت ۳) الف، پ ۴) الف، ت

✓ تست ۳۹ با توجه به بیت زیر، هر دو عبارت «جان‌بخشی» دارند؟

- | | |
|--------------------------------|----------------------------|
| به زلف‌گوی که آیین دلبری بگذار | ۱) به زلف‌گوی، قلب ستمگری |
| به غمزه‌گوی که قلب ستمگری بشکن | ۲) به زلف‌گوی، به غمزه‌گوی |
| | ۳) آیین دلبری، قلب ستمگری |
| | ۴) آیین دلبری، به غمزه‌گوی |

✓ تست ۴۰ در کدام یک از ابیات زیر، بیش از یک «استعاره» به کار رفته است؟

- | | |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| پیش‌تر ز آن که شود کاسهٔ سر خاک انداز | ۱) خیز و در کاسهٔ زر آب طربناک انداز |
| خلق را از دهن خویش مینداز به شک | ۲) بگشا پستهٔ خندان و شکر‌بزی کن |
| ز روی دختر گل‌چهر رز نقاب انداز | ۳) به نیم‌شب اگر آفتاب می‌باید |
| که مهر خاتم لعل تو هست همچو عقیق | ۴) اگر به رنگ عقیقی شد اشک من چه عجب |

آزمون (۵)

✓ تست ۴۱ در کدام یک از ابیات زیر، «نرگس» استعاره از «چشم» نیست؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| نیم‌شب دوش به بالین من آمد بنشست | ۱) نرگش عریده‌جوی و لبش افسوس‌کنان |
| مست از می و میخواران، از نرگس مستش مست | ۲) در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست |
| خون عاشق به قدح‌گر بخورد نوشش باد | ۳) نرگس مست نوازش‌گر مردم‌دارش |
| فروشد تا برآمد یک گل زرد | ۴) هزاران نرگس از چرخ جهانگرد |

✓ تست ۴۲ در کدام بیت «منادا» استعارهٔ مصرحه نیست؟

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| چون ساغر ت پر است، بنوشان و نوش کن | ۱) ای نور چشم من سخنی هست گوش کن |
| مشک سیاه مجمره‌گردان خال تو | ۲) ای آفتاب آینه‌دار جمال تو |
| عشاق را به ناز تو هر لحظه صد نیاز | ۳) ای سروناز حسن که خوش می‌روی به ناز |
| بادهٔ صاف دائمت در قدح و پیاله باد | ۴) ای مه برج منزلت چشم و چراغ عالمی |

✓ تست ۴۳ با توجه به بیت زیر، در کدام گزینه هر دو عبارت، «استعاره» دارد؟

- | | |
|--------------------------------|----------------------------------|
| غلغل چنگ در این گنبد مینا فکنم | جرعهٔ جام بر این تخت روان افشانم |
| ۱) تخت روان - گنبد مینا | ۱) تخت روان - گنبد مینا |
| ۲) غلغل چنگ - گنبد مینا | ۲) تخت روان - گنبد مینا |
| ۳) جرعهٔ جام - گنبد مینا | ۳) جرعهٔ جام - غلغل چنگ |
| ۴) جرعهٔ جام - گنبد مینا | ۴) جرعهٔ جام - غلغل چنگ |



آزمون جامع (۳۹)

تست ۳۸۱ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

آن چه جگرسوز بود باز جگرسازه شود

راز نهان دار و خمش ور خمشی تلخ بود

 (۱) کنایه، حس‌آمیزی، متناقض‌نما، جناس (۲) استعاره، حسن تعلیل، متناقض‌نما، جناس (۳) استعاره، حس‌آمیزی، اسلوب معادله، تکرار (۴) کنایه، حسن تعلیل، اسلوب معادله، تکرار

تست ۳۸۲ در کدام بیت زیر «اسلوب معادله و استعاره» به کار رفته است؟

رو پس نکرد هر که از این خاکدان گذشت

 (۱) وضع زمانه قابل دیدن دو بار نیست

یک نیزه خون گل ز سر ارغوان گذشت

 (۲) از دستبرد حُسن تو بر لشکر بهار

آن هم کلیم با تو بگویم چه سان گذشت

 (۳) بدنامی حیات دو روزی نبود بیش

روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت

 (۴) یک روز صرف بستن دل شد با آن و این

تست ۳۸۳ در تمام عبارات زیر، به جز «سجع و کنایه» به کار رفته است.

 (۱) به حجت با او بس نیامد، سپر بینداخت و برگشت. (۲) بی‌هنر لقمه چیند و سختی بیند. (۳) لاجرم در بی آن ره به کوشش برد و خون جگر خورد. (۴) جالینوس، ابلهی را دید دست در گریبان دانشمندی زده و بی‌حرمتی همی کرد.

تست ۳۸۴ آرایه درج‌شده در مقابل کدام شعر نادرست است؟

 (۱) ای دردهامان مشترک / هم‌رنگ / هم‌گام / چشم هوای گریه دارد (ایهام) (۲) و قلب تو / غمگین‌ترین سرود سکوتش را / تا مرز بی‌نهایت تنهایی / می‌خوانده است (متناقض‌نما) (۳) در سکوتی تلخ می‌پرسی / قد کشیده گرد تو دیوارهای شب (حس‌آمیزی) (۴) این صداقت گسترده / ای کاش در بلندی اندیشه‌های تو / یک دم مجال پرزندی یابد (ایهام تناسب)

تست ۳۸۵ هر دو آرایه ذکرشده در مقابل ابیات به جز بیت درست است.

 (۱) عقاب دلاور بیفکنند پر (کنایه، استعاره) (۱) برفتند از آن جای شیران نر (۲) همی گرد رزم اندر آمد به ابر (اغراق، واج‌آرایی) (۲) بشد تیز ره‌ام با خود و گبر (۳) برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس (مجاز، کنایه) (۳) برآویخت ره‌ام با اشکبوس (۴) سر سرکشان زیر سنگ آورد (واج‌آرایی، کنایه) (۴) پیاده ندیدی که جنگ آورد

✓ تست ۳۸۶ در شعر زیر، کدام واژه دارای مفهوم مجازی است؟

از پولادی / که در کوفه / برج آفتاب را دو شق کرد

- ۱) پولاد ۲) کوفه ۳) برج ۴) آفتاب

✓ تست ۳۸۷ در کدام بیت یکی از آرایه‌های ذکرشده در مقابل آن درست نیست؟

- ۱) ولی رادمردان و وارستگان
 ۲) بهاران که شایابش ریزد سپهر
 ۳) فریب جهان را مخور زینهار
 ۴) پیاپی بکش جام و سرگرم باش
- نیازند هرگز به مردارها (استعاره، حسن تعلیل)
 به دامن گلشن ز رگبارها (تشخیص، استعاره)
 که در پای این گل بود خارها (استعاره، جان‌بخشی)
 بهل گر بگیرند بیکارها (ایهام، مجاز)

✓ تست ۳۸۸ در کدام بیت «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱) جز فلاطون خم‌نشین شراب
 ۲) نگشاید دلم چو غنچه، اگر
 ۳) بیاکه هاتف میخانه دوش با من گفت
 ۴) تا بر دلش از غصه غباری ننشیند
- سرّ حکمت به ماکه گوید باز؟
 ساغری از لبش نبوید باز
 که در مقام رضا باش وز قضا مگریز
 ای سیل سرشک از عقب نامه روان باش

✓ تست ۳۸۹ کدام بیت فاقد «استعاره مکنیه» است؟

- ۱) آینه‌ات دانی چرا غمّاز نیست؟
 ۲) شاخ گل در بند خواری از قد موزون یار
 ۳) به عزم توبه، سحر گفتم استخاره کنم
 ۴) خواهیم شدن به میکده گریان و دادخواه
- زان که زنگار از رخس ممتاز نیست
 ماه نو در عین خجلت از خم ابروی دوست
 بهار توبه‌شکن می‌رسد چه چاره کنم؟
 کز دست غم خلاص من آن جا مگر شود

✓ تست ۳۹۰ ابیات زیر را چگونه می‌توان تنظیم کرد که به ترتیب از بالا به پایین، دارای مجاز با مفاهیم

«کاخ، شعر، کشتن و چشم» باشد؟

- الف) عشق با سر بریده گوید راز
 ب) به خون برادر چه بندی کمر؟
 پ) یک ره ز لب دجله منزل به مداین کن
 ت) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت
- زان که دانند که سر بود غمّاز
 چه سوزی دل پیر گشته پدر؟
 وز دیده، دوم دجله بر خاک مداین ران
 چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت

- ۱) الف، ب، ت، پ ۲) ب، الف، پ، ت

- ۳) پ، ت، ب، الف ۴) ت، پ، الف، ب



آزمون جامع (۴۰)

تست ۳۹۱ آرایه درج شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) گر دهدت روزگار دست و زبان، زینهار
 ۲) رفته‌ام عمری است زین گلشن به یاد جلوه‌ای
 ۳) من عهد تو سخت، سست می‌دانستم
 ۴) باد بوی سمن آورد و گل و نرگس و بید
- هر چه بدانی مگوی، هر چه توانی مکن (لف و نشر)
 گوش نه بر بوی گل تابش نوی افسانه‌ام (حس آمیزی)
 بشکستن آن درست می‌دانستم (تناقض)
 در دگان به چه رونق بگشاید عطار (مراعات نظیر)

تست ۳۹۲ آرایه درج شده در مقابل کدام بیت نادرست است؟

- ۱) معشرالجن سورة رحمن بخوان
 ۲) بر کنار بامی ای مست مدام
 ۳) ما که باطن بین جمله کشوریم
 ۴) چاه مظلم گشت ظلم ظالمان
- تستطیعوا تفذوا را باز دان (تلمیح)
 پست بنشین یا فرود آ و السلام (ایهام)
 دل بینیم و به ظاهر نگریم (تضاد)
 این چنین گفتند جمله عالمان (اشتقاق)

تست ۳۹۳ در کدام بیت واژه «عالم» در مفهوم مجازی به کار رفته است؟

- ۱) آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست
 ۲) آمد شدن تو اندر این عالم چیست
 ۳) شاه شوریده سران خوان من بی سامان را
 ۴) هر دو عالم یک فروغ روی اوست
- چشم میگون لب خندان دل خرم با اوست
 آمد مگسی پدید و ناپیدا شد
 زان که در کم خردی از همه عالم بیشم
 گفتمت پیدا و پنهان نیز هم

تست ۳۹۴ هر دو آرایه درج شده در مقابل تمام ابیات به جز درست است.

- ۱) گفت ای شه، مرگ من از بود اوست
 ۲) گرچه آن وصلت بقا اندر بقاست
 ۳) وز ملک هم بایدم جستن ز جو
 ۴) هالک آید پیش وجش هست و نیست
- خود سیاه این روز من از دود اوست (کنایه، جناس)
 لیک ز اول آن بقا اندر فناست (تکرار، تضاد)
 کل شیء هالک الا وجهه (تضمین، حس آمیزی)
 هستی اندر نیستی خود طرفه‌ای است (تلمیح، متناقض‌نما)

تست ۳۹۵ آرایه‌های «اغراق، تضاد، حس آمیزی، متناقض‌نما، لف و نشر و مراعات نظیر» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- الف) به من آموخت که خاموش بسوزم چون شمع
 ب) سفر کردی چه تلخ‌ای آن که شیرین است گفتارت
 پ) شاید که روح رابعه در من دمیده است
 ت) قصه کفر است و ایمان ظلمت شب نور صبح
 ث) به آیه آیه قرآن، قسم به سوره عصر
 ج) برخیز و بشکن ای دوست بتخانه درون را
- داد فتوا و لب شکوه فرو دوخت مرا
 پریشان کرده‌ای مجموع مشتاقان، خدا حافظ
 کز شعر من گلایه به افلاک می‌رسد
 کاین زمان با جوهر خون بر خط دفتر گذشت
 قسم به تین و به زیتون، به نمل و سجده و نصر
 اینک زمان هجرت از خویش تا برون است
- ۱) الف، ج، ت، ب، ث، پ
 ۲) پ، ت، ب، الف، ج، ث
 ۳) پ، ج، ب، الف، ت، ث
 ۴) الف، ت، ب، پ، ث، ج

❖ تست ۳۹۶ ❖ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

- ذره شد در پرتو خورشید جان افروز عشق
- در سماع سرخ سربازان حق از سر گذشت
- ۱) استعاره، حسن تعلیل، اغراق، حس آمیزی
- ۲) تشبیه، حسن تعلیل، واج آرایی، حس آمیزی
- ۳) تشبیه، اسلوب معادله، واج آرایی، پارادوکس
- ۴) استعاره، اسلوب معادله، اغراق، پارادوکس

❖ تست ۳۹۷ ❖ در کدام بیت، یکی از آرایه‌های مقابل آن نادرست ذکر شده است؟

- ۱) برق با شوقم شراری بیش نیست
- ۲) می‌رود صبح و اشارت می‌کند
- ۳) غرقه و همیم ورنه این محیط
- ۴) ای شررا از هم‌رهان غافل مباش
- شعله‌طفل نی سواری بیش نیست (کنایه، واج آرایی)
- کاین گلستان خنده‌واری بیش نیست (استعاره، تشخیص)
- از تنک‌آبی کناری بیش نیست (مراعات نظیر، استعاره)
- فرصت مانیز، باری بیش نیست (تشبیه، ایهام)

❖ تست ۳۹۸ ❖ در کدام بیت از آرایه تشبیه استفاده شده است؟

- ۱) جواهر تو بخشی دل سنگ را
- ۲) خرد را تو روشن بصر کرده‌ای
- ۳) مهندس بسی جوید از رازشان
- ۴) همه آفریده است بالا و پست
- تو در روی جوهر کشی رنگ را
- چراغ هدایت تو بر کرده‌ای
- ندانند که چون کردی آغازشان
- تویی آفریننده هر چه هست

❖ تست ۳۹۹ ❖ در کدام بیت، واژه مشخص شده «مجاز» نیست؟

- ۱) پیش دیوار آن چه گویی، هوش دار
- ۲) برآشفتم ایران و برخاست گرد
- ۳) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت
- ۴) اگر رفت و آثار خیرش نماند
- تا نباشد در پس دیوار گوش
- همی هر کسی کرد ساز نبرد
- چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت
- نشاید پس از مرگش الحمد خواند

❖ تست ۴۰۰ ❖ در کدام بیت، همه «آرایه‌های کنایه، جناس، استعاره، تشخیص و تشبیه» به کار رفته است؟

- ۱) چرخ مینا شکند شیشه عمر تو به سنگ
- ۲) پیر خمار تو را خشت سر خم نکند
- ۳) تو بدین لعل گهربار که داری حیف است
- ۴) چشم دارم ز لب لعل تو من ای ساقی
- گر ز مینا می گلرنگ به ساغر نکنی
- تا گل قامتت از باده مخمّر نکنی
- که ثنای کف بخشنده داور نکنی
- که براتم به لب چشمه کوثر نکنی

لیست کنایات فارسی دهم

ستایش (به نام گردگار)

«یار کردن» کنایه از: همراه کردن	الهی فضل خود را یار ما کن
«نظر در کار کسی کردن» کنایه از: حل کردن مشکل کسی، یاری کردن / توجه و عنایت	ز رحمت یک نظر در کار ما کن
«پرده برداشتن» کنایه از: آشکار کردن	حقیقت پرده برداری ز رخسار
«خندان بودن گل» کنایه از: شکفتن گل	گل از شوق تو خندان در بهار است

درس یکم (چشمه) / کنج حکمت (خلاصه دانش‌ها)

«چهره‌نما» کنایه از: خودنما / جلوه‌گر	غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
«تیزپا» کنایه از: شتابان و سریع	غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
«کف به دهان بر زدن» کنایه از: خشمگین شدن	گه به دهان بر زده کف چون صدف
«تاج سر بودن» کنایه از: مایه افتخار بودن	تاج سر گلبن و صحرا نم
«کلّ مصراع» کنایه از: عزیز شمردن	بوسه زند بر سر و بر دوش من
«ره به پایان بردن» کنایه از: همراهی کردن	در بر من ره چو به پایان برد
«سر به گریبان بردن» کنایه از: پنهان شدن از روی خجالت	از خجلی سر به گریبان برد
«همسری» کنایه از: برابری	کیست کند با چو منی همسری
«مست شده» کنایه از: از خود بی خود شده	زین نمط آن مست شده از غرور
«فلک کرده کر» کنایه از: صدای بسیار بلند	نعره بر آورده فلک کرده کر
«دیده سیاه کردن» کنایه از: عصبانیت	دیده سیه کرده شده زهره در
«زهره در شدن» کنایه از: ترسناک شدن	خواست کزان ورطه قدم در کشد
«قدم در کشیدن» کنایه از: دوری کردن / عقب‌نشینی	خویشتن از حادثه برتر کشد
«برتر کشیدن» کنایه از: نجات دادن / رهاکردن	کز همه شیرین سخنی گوش ماند
«گوش ماندن» کنایه از: ساکت و خاموش شدن	تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام
«قدم به جایی گذاشتن» کنایه از: وارد شدن به جایی	از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است.
«سیراب شدن» کنایه از: به نهایت رضایت رسیدن	

درس دوم (از آموختن، ننگ مدار) / روان خوانی (دیوار)

«گندم‌نمای جوفروش» کنایه از: دورو و متظاهر / ریاکار	تا گندم‌نمای جوفروش نباشی
«کلّ عبارت» کنایه از: دل و زبانت یکی باشد، ریاکار نباش	به زبان دیگر مگوی و به دل دیگر مدار

لیست کنایات فارسی یازدهم

ستایش (لطف خدا)

«چاشنی بخش» کنایه از: زیباکننده	به نام چاشنی بخش زبان‌ها
«حلاوت سنج» کنایه از: زیباکننده	حلاوت سنج معنی در بیان‌ها
«سربلندی» کنایه از: برتری یافتن، افتخار	بلند آن سر که او خواهد بلندش
«یک موی» کنایه از: چیز بسیار اندک و ناچیز	که نی یک موی باشد بیش و نی کم
«یک موی بیش و کم نبودن» کنایه از: کامل بودن / بی نقص بودن	که نی یک موی باشد بیش و نی کم
«پای یک سو نهادن» کنایه از: کناره‌گیری از انجام کار، همراه نبودن	اگر توفیق او یک سو نهد پای
«تیره‌رایی» کنایه از: جهالت / گمراهی	بماند تا ابد در تیره‌رایی

درس یکم (نیکی) / گنج حکمت (همت)

«به سر بردن» کنایه از: گذراندن، سپری کردن	که چون زندگانی به سر می‌برد
«شوریده‌رنگ» کنایه از: آشفته حال	در این بود درویش شوریده‌رنگ
«نگون بخت بودن» کنایه از: بدبختی و بیچارگی	شغال نگون بخت را شیر خورد
«روزی‌رسان» کنایه از: خداوند	که روزی‌رسان قوت روزش بداد
«بیننده کردن» کنایه از: آگاه و با بصیرت کردن	یقین مرد را دیده بیننده کرد
«تکیه کردن» کنایه از: توکل کردن	شد و تکیه بر آفریننده کرد
«به کنجی نشستن» کنایه از: بیکار ماندن / دست به کاری نزدن	کزین پس نشینم به کنجی چو مور
«چو مور بودن» کنایه از: ناتوانی	کزین پس نشینم به کنجی چو مور
«کلّ مصراع» کنایه از: تلاش و کوشش نکردن	زنخدان فرو برد چندی به جیب
«تیمار خوردن» کنایه از: کمک کردن	نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
«خود را انداختن» کنایه از: خود را ناتوان و درمانده نشان دادن	مینداز خود را چو رویاه شل
«کل مصراع» کنایه از: الهام غیبی رسیدن	ز دیوار محرابش آمد به گوش
«کل مصراع» کنایه از: حاصل تلاش خود را خواهی دید.	که سعیت بود در ترازی خویش
«دست گرفتن» کنایه از: کمک کردن، یاری رسانی	بگیر ای جوان دست درویش پیر
«خود را افکندن» کنایه از: اظهار ناتوانی و درماندگی	نه خود را بیفکن که دستم بگیر
«دست گرفتن» کنایه از: کمک کردن و یاری رسانی	نه خود را بیفکن که دستم بگیر
«مغز در سر داشتن» کنایه از: دانا بودن / خردمندی	کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست



لیست کنایات فارسی دوازدهم

درس یکم (شکر نعمت) / گنج حکمت (گمان)

از دست و زبان که برآید	«کل مصراع» کنایه از: توانایی
پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد	«پرده دریدن» کنایه از: رسوا کردن
تا تو نانی به کف آری و ...	«به کف آوردن» کنایه از: به دست آوردن
یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار	«پریشان روزگار» کنایه از: بیچاره و بدبخت
ایزد تعالی در او نظر نکند	«نظر کردن» کنایه از: عنایت و توجه
بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز	«بی‌دل» کنایه از: عاشق
بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز	«بی‌نشان» کنایه از: خداوند (معشوق)
یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود	«سر به جیب مراقبت فرو بردن» کنایه از: در حالت تأمل و تفکر عارفانه خود را از هر چیزی جز خدا حفظ کردن
در بحر مکاشفت مستغرق شده	«مستغرق شدن در چیزی» کنایه از: پی بردن به حقایق
دامن از دست برفت	«دامن از دست رفتن» کنایه از: بی‌اختیاری

درس دوم (مست و هشیار) / شعرخوانی (در مکتب حقایق)

گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»	«افتان و خیزان رفتن» کنایه از: تعادل نداشتن
گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»	«هموار نبودن راه» کنایه از: اوضاع نامساعد جامعه
گفت: «رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست»	«بیدار نبودن» کنایه از: غفلت و ناآگاهی
گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»	«دینار دادن» کنایه از: رشوه خواری
گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز بود و تار نیست»	«نقشی ز بود و تار» کنایه از: فقیرانه و پوسیده و نخ‌نما بودن / کهنه
گفت: «آگه نیستی کز سر درافتاد کلاه»	«کلاه از سر افتادن» کنایه از: عدم تعادل، بی‌ادبی، مستی
گفت: «هی بسیار خوردی، زان چنین بی‌خود شدی»	«بی‌خود شدن» کنایه از: مستی زیاد، بی‌اختیاری
گفت: «هشیاری بیار، این‌جا کسی هشیار نیست»	«هشیار» کنایه از: آگاه
ای بی‌خبر، بکوش که صاحب خبر شوی	«صاحب خبر شدن» کنایه از: شناخت و معرفت پیدا کردن
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی	«راهرو بودن» کنایه از: پیروی کردن
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی	«راهبر شدن» کنایه از: هدایتگری
دست از مس وجود چو مردان ره بشوی	«دست شستن» کنایه از: ترک کردن
تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی	«زر شدن» کنایه از: متعالی شدن / به کمال رسیدن
آن‌گه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی	«به خویش رسیدن» کنایه از: متعالی شدن



الگوی اول

آرایه‌های ادبی یک بیت مورد ارزیابی واقع می‌شود.

(تجربی ۹۹)

نمی‌داند که این شادی دم دیگر نمی‌ماند

(۲) تشخیص، تشبیه، حس آمیزی، ایهام

(۴) تشبیه، حس آمیزی، پارادوکس، استعاره

(عمومی انسانی ۹۹)

به مهرش صادقی چون صبح از آن مشهور آفاقی

(۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز

(۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص

(اختصاصی انسانی ۹۹)

جهانی را ز باغ عشق بر خوردار می‌بینم

(۲) استعاره، مجاز، کنایه، ایهام

(۴) کنایه، ایهام، مجاز، واج‌آرایی

(اختصاصی انسانی ۹۹)

تویی آن کس که در عالم به جفت ابروان طاقی

(۲) تشبیه، مجاز، ایهام تناسب، تضاد

(۴) استعاره، ایهام، اغراق، پارادوکس

(زبان ۹۹)

که چون در نقطهٔ موهوم این سی‌پاره پنهان شد

(۲) پارادوکس، تشبیه، کنایه، مجاز

(۴) حسن تعلیل، واج‌آرایی، استعاره، مجاز

(هنر ۹۹)

به صحرای قناعت رو که بی‌آهوست آن صحرا

(۲) تشبیه، مجاز، کنایه، پارادوکس

(۴) استعاره، پارادوکس، ایهام تناسب، مراعات نظیر

(فارع از کشور ۹۹)

پسته از بس خجل از غنچهٔ خندان تو شد

(۲) کنایه، استعاره، تشخیص، حسن تعلیل

(۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل

(فارع از کشور عمومی انسانی ۹۹)

که چرا روز فراق و شب هجران تار است

(۲) حسن تعلیل، استعاره، ایهام، پارادوکس

(۴) تشبیه، لَف و نشر، ایهام تناسب، پارادوکس

تست ۴۰۱

به روز تیرهٔ ما صبح، شکرخنده‌ها دارد

(۱) مجاز، استعاره، تضاد، تشخیص

(۳) پارادوکس، ایهام تناسب، مجاز، حس آمیزی

تست ۴۰۲

آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

(۱) ایهام، استعاره، حس آمیزی، کنایه

(۳) حسن تعلیل، ایهام، ایهام تناسب، حس آمیزی

تست ۴۰۳

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

(۱) تشبیه، جناس، ایهام، کنایه

(۳) تشبیه، استعاره، جناس، مجاز

تست ۴۰۴

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

تو داری طاق ابرویی که جفتش نیست در عالم

(۱) تشبیه، تضاد، ایهام، جناس تام

(۳) پارادوکس، جناس ناقص، کنایه، اغراق

تست ۴۰۵

آرایه‌های ادبی بیت زیر، تماماً در کدام گزینه درست است؟

در آن تنگ دهن زان عقد دندان حیرتی دارم

(۱) ایهام، اغراق، استعاره، کنایه

(۳) اغراق، استعاره، تشبیه، واج‌آرایی

تست ۴۰۶

آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

ز بند حرص بر آهو چه نازی نفس را چون سگ

(۱) تشبیه، ایهام تناسب، استعاره، تضاد

(۳) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، تضاد

تست ۴۰۷

آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟

می‌کند خندهٔ خونین به ته پوست نهان

(۱) تناقض، اغراق، مجاز، استعاره

(۳) اغراق، تشخیص، تشبیه، ایهام تناسب

تست ۴۰۸

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

روشن‌ت گردد اگر خال و خطش را بینی

(۱) تشبیه، تضاد، مجاز، استعاره

(۳) استعاره، لَف و نشر، مجاز، تضاد



تست ۴۸۹ در بیت «مال دل از دنیای پوچ بی بقا برداشتیم / یک قلم زین استخوان دل چون هما

(هنر ۸۷)

برداشتیم» کدام آرایه‌ها وجود دارد؟

- ۱) تشبیه، استعاره، تشخیص، ایهام
- ۲) کنایه، تشبیه، استعاره، مراعات نظیر
- ۳) مراعات نظیر، کنایه، ایهام، تشبیه
- ۴) ایهام تناسب، حس آمیزی، استعاره، تشخیص

تست ۴۹۰ در بیت «چو مرده زنده شوم گر به خنده آب حیات / از آن دو شکر شیرین مقال بگشاید»

(هنر ۸۷)

کدام آرایه‌ها وجود دارد؟

- ۱) تشبیه، ایهام، پارادوکس
- ۲) تشبیه، حس آمیزی، مجاز
- ۳) استعاره، تضاد، ایهام
- ۴) تضاد، استعاره، حس آمیزی

دو یا چند آرایه در صورت سوال ذکر می‌شود.

الگوی دوم

تست ۴۹۱ در کدام بیت همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، جناس» به کار رفته است؟ (ریاضی ۹۹)

- ۱) حافظ در این کمند سر سرکشان بسی است
- ۲) در چین زلفش ای دل مسکین چگونه‌ای؟
- ۳) صحن سرای دیده بشستم، ولی چه سود؟
- ۴) چون پیاله، دلم از توبه که کردم بشکست

تست ۴۹۲ در کدام بیت «ایهام، ایهام تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟ (تربی ۹۹)

- ۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر
- ۲) غنیمی شمر ای شمع، وصل پروانه
- ۳) مرغ دل باز هوادار کمان‌برویی است
- ۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه

تست ۴۹۳ در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟ (عمومی انسانی ۹۹)

- ۱) دو، دو
- ۲) سه، سه
- ۳) یک، دو
- ۴) دو، سه

تست ۴۹۴ کدام بیت، فاقد تشبیه و دارای «مجاز و ایهام» است؟ (اقتصادی انسانی ۹۹)

- ۱) خواهیم ز پس پرده تقوا به در افتم
- ۲) چون بلبل دل سوخته را بال شکستند
- ۳) نه طره‌ات غم شب‌های تار من دارد
- ۴) من آن‌ام که کند یار اجتناب از من

تست ۴۹۵ در همه ابیات آرایه‌های تشبیه، استعاره و جناس وجود دارد؛ به جز: (اقتصادی انسانی ۹۹)

- ۱) نشد از گوش دلم زمزمه نغمه چنگ
- ۲) مگذار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را
- ۳) ای تُرک آتشرخ بیار آن آب آتشرنگ را
- ۴) ای رخت آینه جان، می چون زنگ بیار



تست ۵۴۰

در کدام بیت همهٔ آرایه‌های «استعاره، کنایه، مراعات نظیر» وجود دارد؟ (عمومی انسانی ۸۷)

- ۱) این همه بیننده ز نزدیک و دور
- ۲) نرگس من چشم و چراغ چمن
- ۳) از صفت قامت من کوتاهی
- ۴) طلعت من خواسته از مه خراج

تست ۵۴۱

در کدام بیت آرایه‌های «تشبیه، استعاره، تشخیص، کنایه و مراعات نظیر» به کار رفته

است؟ (افتماصی انسانی ۸۷)

- ۱) آب رخ گل بریخت لالهٔ رخسار تو
- ۲) ناله برآمد ز کوه از اثر زاریم
- ۳) تا خم زلف تو را دام دلم کرده‌اند
- ۴) با همه تیر بلا کامده بر دل مرا

تست ۵۴۲

در همهٔ بیت‌ها، به استثنای بیت

، هر دو آرایهٔ «استعاره و تشخیص» به کار رفته

است. (افتماصی انسانی ۸۷)

- ۱) به تیره‌روزی من چشم روزگار گریست
- ۲) ز سخت‌جانی آیینی حیرتی دارم
- ۳) سزد که اهل نظر سینه را نشان سازند
- ۴) ز هر طرف به تظلم نیازمندی چند

تست ۵۴۳

در کدام بیت، هر سه آرایهٔ «استعاره، تضاد و کنایه» وجود دارد؟ (فارغ از کشور ۸۷)

- ۱) گلزار رخت هست چنان تازه‌بهاری
- ۲) ای زلف تو سر تا قدم آشوب جهانی
- ۳) برخاستیم از سر جان تا بنشینیم
- ۴) الف قد تو پیش همه مقبول افتاد

تست ۵۴۴

در کدام بیت، همهٔ آرایه‌های «مراعات نظیر، استعاره، تشخیص و جناس» به کار رفته است؟ (فارغ از کشور ۸۷)

- ۱) آن که ندیده حسرتی در همه عمر خویشتن
- ۲) آن که به تیغ امتحان ریخت به خاک خون من
- ۳) غنچهٔ نوشخند او سوخت به یک تبسم
- ۴) خاک رهی گزیده‌ام، تا چه بزیاد آسمان

الگوی سوم در صورت سوال بیش از دو آرایه ادبی (سه تا پنج) نام برده می‌شود و ترتیب ابیات، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تست ۵۴۵

آرایه‌های «تشبیه، استعاره، حس آمیزی و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟ (ریاضی ۹۹)

- الف) چون شب‌نم است بستر و بالین من ز گل
 - ب) نالهٔ نی راست صد تنگ شکر در آستین
 - ج) چرا از دست می‌رفتم چرا بیمار می‌بودم؟
 - د) کجا تاب نگاه گرم دارد سایه پروردی
- ۱) ب، الف، د، ج ۲) ب، د، ج، الف ۳) ج، الف، ب، د ۴) ج، الف، د، ب

الگوی چهارم

هیچ آرایه‌ای در صورت سؤال ذکر نمی‌شود؛ بلکه نام یک یا دو آرایه در مقابل هر بیت نوشته می‌شود.

(ریاضی ۹۹)

آرایه‌های زیر ابیات در همه گزینیه‌ها تماماً درست است؛ به جز:

- ۱) نازنین تر می‌شوی هر روز از روز دگر (۱) ناز چندانی که می‌ریزد ز سر تا پای تو (حسن تعلیل، واج‌آرایی)
- ۲) باغبان همچو نسیم ز در خویش مران (۲) آب گلزار تو از اشک چو گلنار من است (ایهام، کنایه)
- ۳) در غبار خاطر مجنون حصارى گشته است (۳) دیده‌آهو ز شرم نرگس شهلاى تو (استعاره، تشبیه)
- ۴) پرده‌های دیده‌اش پیراهن یوسف شود (۴) هر که یک شب را به روز آورد در سودای تو (تلمیح، ایهام تناسب)

(تجربی ۹۹)

آرایه‌های زیر کدام دو بیت، «کاملاً» درست است؟

- الف) جام شراب مرهم دل‌های خسته است (الف) خورشید مومیایی ماه شکسته است (تشبیه، اسلوب معادله)
- ب) گره‌گشای دل تنگ نغمه چنگ است (ب) سهیل سیب زنخدان شراب گلرنگ است (جناس، تشبیه)
- ج) ای صبای بی‌مروت برق تازی واگذار (ج) روح بیمار زلیخا همره پیراهن است (تلمیح، ایهام)
- د) پیش ما دشنام جانان از شکر شیرین تر است (د) روح تلخ بحر از آب گهر شیرین تر است (ایهام تناسب، حس آمیزی)
- ۱) الف، ب (۱) الف، د (۲) الف، ب، ج (۳) ب، ج (۴) ب، د

(تجربی ۹۹)

آرایه‌های زیر همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:

- ۱) چه سان مرگان خونین گریه ما را نگه دارد (۱) کجا مرجان به زور پنجه دریا را نگه دارد؟ (اسلوب معادله، ایهام)
- ۲) پهلو به حیات ابدی می‌زند آن زلف (۲) این است سوادی که به اصل است مطابق (ایهام تناسب، کنایه)
- ۳) عزیز قدردانی نیست در مصر سخن‌سنجی (۳) ندارد و نه جنسی غیر یوسف کاروان ما (ایهام، استعاره)
- ۴) اگر چه تخم طمع زردرویی آرد، بار (۴) زکات رنگ به گلشن دهد گدای قدح (مجاز، تشبیه)

(عمومی انسانی ۹۹)

آرایه‌های زیر همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

- ۱) راستی را بنده شمشاد بالای توام (۱) و نه من آدام از هر سرو بستانی که هست (استعاره، ایهام)
- ۲) دیدی که غمت به خون من می‌کوشد (۲) تو نیز به کشتنم میان درستی (مجاز، کنایه)
- ۳) مهر رخسار تو در جان من شوریده‌دل (۳) همچو ماه چارده در کنج ویران تافته است (تشبیه، ایهام)
- ۴) گر زان که نرنجیده‌ای از ما به خطایی (۴) چین در خم ابروی تو ای ترک ختا چیست؟ (حسن تعلیل، جناس)



(شماره از کشور ۸۹)

تست ۶۷۲ در کدام بیت، آرایه نسبت داده شده به آن نادرست است؟

- ۱) وقت هر کار نگه‌دار که نافع نبود
نوش‌دارو که پس از مرگ به سهراب دهی
(تلمیح)
- ۲) حسبِ حالم سخنی بس خوش و موجز یاداست
عرضه دارم اگر رخست اطناب دهی
(تضاد)
- ۳) مده از دست کنون فرصت امکان چو تو را
دست آن هست که داد دل احباب دهی
(مجاز)
- ۴) به دل دشمن اگر خود بُوَد از آهن و روی
چون به هیبت نگری لرزش سیماب (= جیوه) دهی
(حسن تعلیل)

(افتمصاصی انسانی ۸۷)

تست ۶۷۳ آرایه مطرح شده در مقابل کدام بیت درست است؟

- ۱) بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ
در معرضی که تخت سلیمان رود به باد (حسن تعلیل)
- ۲) لب‌ت بدیدم و لعلم بیوفتاد از چشم
سخن بگفتی و قیمت برفت لؤلؤ را (استعاره)
- ۳) نرگس من چشم و چراغ چمن
لاله من داغ‌نه یاسمن (موازنه)
- ۴) مرا اگر تو ندانی عطاردم داند
که من کیم ز سر کلک من چه کار آید (مراعات نظیر)

یک آرایه در صورت سؤال ذکر می‌شود.

الگوی پنجم

(ریاضی ۹۹)

تست ۶۷۴ تعداد تشبیهات کدام بیت بیش تر است؟

- ۱) واله و شیداست دائم همچو بلبل در قفس
طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست
وگرنه تشنگی افزاست آب شور تمنا
- ۲) بمال بر لب خونخوار حرص، خاک قناعت
چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه‌سا را
- ۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظرهاست
که باشد عقد گوهر خوشه‌ای از خرمن دریا
- ۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا
به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا

(افتمصاصی انسانی ۹۹)

تست ۶۷۵ کدام بیت فاقد مجاز است؟

- ۱) گر بر سر خاک من بنشین و برخیزی
تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم
- ۲) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلیم
ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد
- ۳) سر اگر در سر کار تو کنم دوری نیست
کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد
- ۴) سهل است به خون من اگر دست برآری
جان دادن در پای تو دشوار نباشد

(زبان ۹۹)

تست ۶۷۶ در کدام بیت، تعداد تشبیه با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) کیست که مرغ دلش از دام برآمد
خال تو تا دانه و زلفین تو شد دام
- ۲) بلبل باغ سخن منطق گویای من است
گل بستان خرد لفظ دلارای من است
- ۳) تیغ بلای او را جز دل هدف نشاید
تیر بگریز او را جز دل هدف نشاید
- ۴) کز شب زلف تو چون شمع شبستان تافته است
آن بناگوش دل‌افروز است یا مه یا چراغ

(هنر ۹۹)

تست ۶۷۷ بیش‌ترین مجاز در کدام بیت، یافت می‌شود؟

- ۱) چون تو در آمدی، پی‌کاری دگر گرفت
هر سروقد که بر مه و خور حسن می‌فروخت
- ۲) که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است
بنال بلبل اگر با منت سر یاری است
- ۳) کاسه هر کس که می‌بینم ازین صهبا پر است
یک سر بی‌کبر در نمرود زار خاک نیست
- ۴) از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت
می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست

www.Gajmarket.com



پاسخنامه تشریحی



- ۱ | ۱ | آینه در مصراع دوم به معنی لحظه) دو واژه یکسان با معنای متفاوت قافیه هستند نه ردیف.
- ۲ | ۲ | کجا ... گذر توانی کرد ← نمی‌توانی گذر کنی
- ۳ | ۳ | قافیه‌ها ← ایوان، دیوان / کرم، نعم
- ۴ | ۴ | قافیه دارد (شجاعت، حقیقت، صداقت)، فقط قافیه در شعر سپید، جای مشخصی ندارد.
- ۵ | ۴ | ۱) قالب شعر «الف» ← نو (نیمایی) / قالب شعر «ب» ← سپید (۲ شعر «الف» وزن دارد. ۳) در هر دو شعر قافیه وجود دارد.
- ۶ | ۴ | گزینه «۴» بیتی از یک غزل عارفانه است.
- ۷ | ۴ | شعر نو قافیه دارد (بی‌سود / مطرود) ولی قافیه جای مشخصی ندارد.
- ۸ | ۳ | چون اولین هجای آن «ن» صامت + مصوت کوتاه است.
- ۹ | ۲ | چون مصراع اول قافیه ندارد.
- ۱۰ | ۲ | دو بیتی پیوسته
- ۱۱ | ۳ | ترجیع بند
- ۱۲ | ۲ | مثنوی
- ۱۳ | ۱ | قافیه‌ها ← ۲) خندان، زندان، مستمندان (۳) حاجب، واجب، طالب (۴) برخاسته، آراسته، خواسته
- ۱۴ | ۴ | دو قافیه‌ای ← قافیه‌ها در مصراع اول ← گوهر / بار (باریدن) / قافیه‌ها در مصراع دوم ← زر / بار (بار کردن)
- ۱۵ | ۱ | دو واژه بار در مصراع اول و دوم چون تفاوت معنایی دارند، قافیه هستند نه ردیف.
- ۱۶ | ۲ | کم‌ترین مقدار سخن منظوم، مصراع است. ۳) کم‌ترین مقدار شعر، بیت است.
- ۱۷ | ۱ | فقط در بیت اول، هر دو مصراع قافیه دارند.
- ۱۸ | ۱ | نوع قافیه ← دو قافیه‌ای / قافیه‌ها ← ایوان، کرم / دیوان، نعم
- ۱۹ | ۲ | نوع قافیه ابیات دیگر ← میانی
- ۲۰ | ۴ | تشبیه ← مار سر زلف (اضافه تشبیهی) ← ۱
مشبّه به مشبّه
- ۲۱ | ۱ | تشبیه ← لب‌لب ... خاطر حافظ / گلبن وصل (دو اضافه تشبیهی) ← ۲
مشبّه به مشبّه مشبّه به مشبّه
- ۲۲ | ۲ | تشبیه ← عنبر زلف (اضافه تشبیهی) / چون عود / آتش سودا (اضافه تشبیهی) ← ۳
مشبّه به مشبّه ادرات تشبیه مشبّه به مشبّه به مشبّه
- ۲۳ | ۳ | تشبیه ← آتشم عشق (عشق، آتش است) / دلیم عود / تنم مجمر (آتشدان) ← ۳
مشبّه مشبّه به مشبّه مشبّه به مشبّه به مشبّه